



## بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان

احمد مقدم، فاطمه پیکری فر

مشاوره دبیرستان شهید موسوی نیا، دانشجوی ارشد روانشناسی عمومی، a.moghadam6215@yahoo.com

مدرس دانشگاه پیام نور شوش دانیال، f.peykari@yahoo.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر «بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان» می باشد، روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان مشغول به تحصیل در سال ۱۳۹۴ به تعداد ۳۴۰۰ نفر بوده است. روش نمونه گیری این پژوهش، حجم نمونه آماری ۲۶۳ با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی مرحله ای اقدام به توزیع نمونه شده است. از پرسشنامه های شیوه های فرزند پروری، خود شکوفایی و سازگاری اجتماعی به عنوان ابزار پژوهش استفاده گردیده است. داده های گردآوری شده به کمک روش های آمار توصیفی همچون فراوانی، درصد، نمودار و آزمون های آمار استنباطی همچون همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چند متغیره به روش اینتر، از طریق نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج به دست آمده عبارتند از: بین شیوه های رهبری (شیوه های فرزند پروری آزادگذاری، شیوه های فرزند پروری استبدادی، شیوه های فرزند پروری اقتدار منطقی) با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان رابطه معنی داری وجود دارد و بین خوشکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان رابطه معنی داری وجود دارد. بین شیوه های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان رابطه چند گانه وجود دارد و دو متغیر (شیوه های فرزند پروری و خود شکوفایی) در پیش بینی کنندگی برای سازگاری اجتماعی نقش بسیار خوبی را ایفا می کنند.

واژگان کلیدی: شیوه های فرزند پروری، خود شکوفایی، سازگاری اجتماعی



## مقدمه

از آنجا که خانواده تاثیر اساسی بر زندگی فرد و همه ابعاد اجتماع دارد، همه ادیان الهی توجه ویژه ای به آن داشته‌اند. دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی، بخش عمده ای از قوانین و توصیه ها را به خانواده اختصاص داده است. آداب ویژه ای برای زندگی خانوادگی وضع کرده است و بسیاری از هنجارهای مربوط به ازدواج و خانواده را در بخش عمده ای از جهان تغییر داده و در واقع ساختار مطلوب و به هنجار خانواده را براساس آموزه های دینی بنا کرده است (جمل به نقل از سالاری فر، ۱۳۸۹).

نوع روابط میان نقش های خانواده و به تبع آن تفوق هر یک از گونه های ساختار قدرت و یا شیوه های تربیتی (استبدادی و دموکراتیک و...) در آن منجر به بروز رفتارهای متفاوت از سوی فرزندان در عرصه اجتماعی خواهد شد « در بررسی مطالعات خانواده و روابط خانوادگی و چگونگی تربیت فرزندان در جوامع مختلف، بر روی چگونگی تبدیل موجودات انسانی به موجود اجتماعی متمرکز بوده‌اند و تاثیر تجربه های دوران کودکی بر روی سرشت آینده انسان را مطرح می‌نمایند... چگونگی برخورد والدین با کودک زمینه ساز ساخت شخصیت انسان است (اعزازی، ۱۳۸۰) بدون تردید خانواده و چگونگی روابط میان اعضای خانواده و کیفیت ارتباط والدین با فرزندان در شکل گیری شخصیت<sup>۱</sup> و رشد اجتماعی، عاطفی، عقلانی فرزندان نقش و اهمیت زیادی دارد. روانشناسان معتقدند اولین و امن ترین عامل در شخصیت افراد یک خانواده است. در واقع می توان خانواده را به عنوان نظامی از روابط در نظر گرفت خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی که همواره وظایف و کارکردهای متفاوتی را به عهده داشته، رابطه تنگاتنگی با جامعه و نهادهای اجتماعی دارد به طوری که تغییرات و تحولات در جامعه منوط به زمینه سازی و پی ریزی عوامل تغییر در خانواده می باشد. و بلعکس (نوابخش و فتحی، ۱۳۹۰). سازگاری اجتماعی به عنوان مهمترین نشانه سلامت روان از مباحثی است که توجه بسیاری از جامعه شناسان؛ روان شناسان و بخصوص مربیان را به خود جلب کرده است. رشد اجتماعی مهمترین جنبه ی رشد وجود هر شخص محسوب می شود. رشد اجتماعی هر فردی؛ سازگاری او با دیگران است و رشد اجتماعی نه تنها در سازگاری با اطرافیانی که فرد با آنها در ارتباط است موثر است. بلکه بعدها در میزان مفهوم خودشکوفایی در نظریه های انسان گرایی<sup>۲</sup> و بخصوص نظریه شخصیت مزلو<sup>۳</sup> یک مفهوم بنیادی است و در واقع نظریه مزلو از کنکاش در مورد افراد خودشکופا حاصل شده است. مزلو معتقد است که برای درک ماهیت انسان باید نمونه هایی از انسان که خلاق ترین، سالم ترین و رشد یافته ترین افراد باشند را مورد مطالعه قرار دهیم و به همین منظور او گروه کوچکی از افراد برجسته مانند آبراهام لینکلن<sup>۴</sup>، آلبرت انیشتین<sup>۵</sup>، ویلیام جیمز<sup>۶</sup> و... را انتخاب نمود و به مطالعه زندگی نامه آنها پرداخت. پازاین مطالعه او به تصویری چندبعدی از خودشکوفایی و افراد خودشکופا مانند ویژگی های افراد خودشکופا، نقش فرا نیازها در- خودشکوفایی، رفتارهایی که به خودشکوفایی منجر می شوند و علل ناتوانی در خودشکوفایی دست یافت. مزلو پس از مطالعه روی نمونه کوچکش از افراد خودشکופا دوازده ویژگی را برای خودشکופا ذکر کرد که عبارتند از: ادراک بسیار کارآمد از واقعیت، پذیرش خود، دیگران و طبیعت بطور کلی، سادگی و طبیعی بودن، تمرکز بر روی مشکلات بجای تمرکز روی خود، نیاز به استقلال و داشتن حریم خصوصی، احساس درک تازه و مداوم، تجربه های عرفانی، علاقه اجتماعی، روابط بین فردی، خلاق بودن، ساختار شخصیتی دموکراتیک و مقاومت در برابر فرهنگ پذیری. این مجموعه حقیقتاً مجموعه ای شگفت انگیز از ویژگی هاست و این افراد را مقدس وار معرفی می کند، اما این افراد نیز همواره کامل نیستند و در واقع معایبی نیز دارند. مزلو

1- Personality

2(Humanistic Theory)

3(Maslow)

4(Abraham Lincoln)

5(Albert Einstein)

6(William James)

دریافت که آنها نیز گاهی بی ادب و حتی فوق العاده بی رحم، سرد و تلخ نیز می شوند. آنها نیز لحظه هایی از تردید، ترس، احساس گناه را دارا می باشند ولی این رویدادها در رفتار آنها بطور قطع استثنا است و کمتر رخ می دهند موقعیت شغلی و تحصیلی او نیز تاثیر دارد. (نظری، ۱۳۸۳) با توجه مطالب ارائه شده هدف این پژوهش بررسی رابطه شیوهی فرزند پروری، خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش می باشد. تحقیقات انجام شده در این زمینه عبارتند از: نوابخش و فتحی (۱۳۹۰). در پژوهشی تحت عنوان «شیوه های فرزندپروری و سازگاری اجتماعی فرزندان» به این نتایج دست یافت که: خانواده اولین و مهمترین نهاد در تاریخ و تمدن انسانی است که افراد بشری در آن با شیوه های زندگی جمعی و تفاهم و سازگاری با دیگران آشنا می گردند. خانواده مناسبترین بستر فعلیت یافتن قابلیت ها و استعدادها و تواناییهای انسانی است و بخش عظیمی از ابعاد شخصیت افراد همچون رفتارهای اجتماعی، مسئولیت پذیری، تحمل و بردباری در برابر دیگران و واکنشهای عاطفی در آن شکل می گیرد. هدف از نگارش این مقاله بررسی شیوه های فرزند پروری والدین و نقش آن بر سازگاری اجتماعی فرزندان می باشد، که با روش اسنادی انجام شده است و با تکنیک فیش به جمع آوری داده ها اقدام شده است. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد: چهار نوع شیوه های تربیتی در خانواده ها والدین بر فرزندان اعمال می کنند که عبارتند از: ۱) شیوه تربیتی استبدادی (۲) شیوه تربیتی قاطع (۳) شیوه تربیتی سهل انگار و ۴) شیوه تربیتی مسامحه کار. هر کدام از شیوه های تربیتی حاکم بر خانواده ها که والدین در جهت تربیت فرزندان بکار می برند خود دارای تاثیراتی در جهت سازگاری اجتماعی فرزندان دارد. مداحی، لیاقت و مرادی (۱۳۹۰). در پژوهشی با عنوان « بررسی تعامل سازشی با شیوه های فرزند پروری» به این نتایج دست یافتند که به بین سن استقلال آموزی با رفتار سازشی رابطه ای وجود ندارد بین سن تسلط آموز با رفتار سازشیرابطه منفی معنی داری وجود دارد بین سن مراقبت آموزی و رفتار سازشی رابطه معنی داری وجود نداشت. و در نهایت بین سه خرده مقیاس شیوه های فرزند پروری با رفتار سازشی رابطه ای مشاهده نشد. زهرا کار (۱۳۸۹). در پژوهشی با هدف هدف تحقیق بررسی رابطه شیوه های فرزندپروری و سلامت روانی نوجوانان، شهر اسلامشهر می باشد. جامعه آماری در این تحقیق، همه دانش آموزان دبیرستان شهرستان اسلامشهر است که با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای، نمونه ای به حجم ۳۰۰ نفر (۱۵۰ نفر دختر و ۱۵۰ نفر پسر) از جامعه فوق الذکر به عنوان نمونه انتخاب گردیده اند. در این تحقیق ۱۲ فرضیه در مورد رابطه و همبستگی شیوه های فرزندپروری والدین (دموکراتیک، استبدادی، آسان گیرانه) و سلامت روانی (علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کارکردهای اجتماعی و افسردگی) نوجوانان و نیز چهار سوال در مورد قدرت پیش بینی کنندگی شیوه های فرزندپروری بر مولفه های سلامت روانی مطرح شد. برای جمع آوری اطلاعات از آزمون شیوه های فرزندپروری بومریند و آزمون GHQ-28 استفاده شده است و برای تجزیه و تحلیل داده های حاصل از تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون معناداری آن و تحلیل رگرسیون چند متغیری استفاده شده است. نتایج تحقیق بیانگر وجود همبستگی منفی بین شیوه فرزندپروری دموکراتیک و ابعاد مختلف سلامت روانی (علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کارکردهای اجتماعی و افسردگی) و همچنین وجود همبستگی مثبت شیوه های فرزندپروری استبدادی و سهل گیرانه و ابعاد مختلف سلامت روانی (علائم جسمانی، اضطراب و اختلال خواب اختلال در کارکردهای اجتماعی و افسردگی) نوجوانان شهرستان اسلامشهر می باشد. به عبارت دیگر نتایج تحقیق بیانگر این است که شیوه فرزندپروری دموکراتیک باعث افزایش سلامت روانی و شیوه های استبدادی و آسان گیرانه باعث کاهش سلامت روانی افراد می شوند. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد که ۵۳ درصد از واریانس مولفه علائم جسمانی به وسیله شیوه های فرزندپروری استبدادی و آسان گیرانه قابل توجیه است و به ترتیب ۶۷/۲ درصد، ۵۷ درصد، ۶۶/۲ درصد، واریانس اضطراب و اختلال خواب، اختلال در کارکرد اجتماعی و افسردگی به وسیله هر سه شیوه فرزندپروری قابل توجیه و تبیین می باشد. فقیهی، پرنده و شکوهی (۱۳۸۵) < در پژوهشی با عنوان مطالعه تطبیقی سبک های فرزندپروری به این نتایج دست یافتند که: به شیوه غالب بر تربیت فرزندان از سوی والدین اشاره دارد و بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودکان تاثیر به سزایی دارد. در کشورهای غرب تحقیقات گسترده ای در مورد سبک های فرزندپروری و پیامدهای آن صورت گرفته است و بر آن اساس چهار سبک فرزندپروری مطرح شده است. فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری



مستبدانه، فرزندپروری سهل گیرانه و فرزندپروری مسامحه کارانه. این طبقه بندی بر پاسخ دهی و تقاضاهای والدین مبتنی است. در متون و احادیث اسلامی نیز به شیوه تربیت فرزندان از دیدگاه معصومین (ع) اشاره شده است. از دیدگاه اسلامی مسوولیت اصلی فرزندپروری، به عهده پدر و مادر است. آنها باید برای آموزش و تربیت فرزند، بهترین شیوه ها را به کار گیرند. هر یک از سبک های فرزندپروری با بروز و نگهداری رفتارها و ویژگی های خاصی در فرزندان رابطه نشان داده اند؛ برای مثال عزت نفس بالا، پیشرفت تحصیلی و کفایت های اجتماعی از جمله متغیرهایی است که با فرزندپروری مقتدرانه رابطه دارد. همچنین مشکلات رفتاری، افسردگی و سایر مشکلات روان شناختی با فرزندپروری مسامحه کارانه مرتبط اند. با توجه به اینکه پژوهش های مربوط به فرزندپروری غالباً در کشورهای غربی صورت گرفته اند و با توجه به اهمیت فرزندپروری و تاثیرپذیری آن از مسایل فرهنگی، مطالعه حاضر با هدف بررسی تطبیقی سبک های فرزندپروری در کشورهای غربی و از دیدگاه دانشمندان اسلامی صورت گرفته است. به این منظور سبک های فرزندپروری و تاثیر آن بر رابطه والدین و فرزندان و بروز مشکلات رفتاری، شناختی و روان شناختی توصیف و تبیین شده است.

افشانی و همکاران (۱۳۹۳). در پژوهشی با عنوان «بررسی رابطه دینداری و خودشکوفایی» به این نتایج رسیدند که از نظر آماری رابطه دینداری تاثیر مستقیم و معناداری بر خودشکوفایی داشت. البته دو بعد مناسکی و عاطفی رابطه معناداری با خودشکوفایی نداشتند. تاج، و همکاران (۱۳۹۲). «رابطه سبکهای دلبستگی و خودشکوفایی در شاغلین روان درمانگر شهر تهران» به این نتایج دست یافتند که نمرات خودشکوفایی و خرده مقیاسهای گشودگی به خود با سبک دلبستگی آزمودنیهای اجتنابی شاغلین روان درمانگر رابطه منفی معنادار داشت. دهقان (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی هوش معنوی در خودشکوفایی و سلامت روان» یافته های پژوهش نشان دادند، بین دو متغیر هوش معنوی و خودشکوفایی رابطه معناداری در سطح ۰,۰۵ وجود دارد و هوش معنوی در خودشکوفایی موثر است، ولی تاثیر هوش معنوی در متغیر سلامت روان تنها بر بعد عملکرد اجتماعی زنان قابل پیش بینی است. همچنین، بین دو متغیر خودشکوفایی و سلامت روان رابطه معناداری در سطح ۰,۰۵ وجود دارد. بر اساس یافته های بدست آمده از نمونه ها، هوش معنوی می تواند بر خودشکوفایی و عملکرد اجتماعی زنان موثر واقع شود. هم چنین، از روی متغیر خود شکوفایی میتوان سلامت روان را پیش بینی کرد. یار محمدیان و همکاران (۱۳۸۶) پژوهش دیگری را تحت عنوان «بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش آموزان پایه اول دبیرستان» انجام دادند. هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه هوش هیجانی با خود شکوفایی دانش آموزان بوده است. نتایج پژوهش نشان داد که در پیش بینی خود شکوفایی به ترتیب، متغیرهای هوش هیجانی، هوش بهر عمومی (شناختی) و عوامل دموگرافیک دارای بیشترین قدرت پیش بینی می باشند. همچنین یافته های تحقیق نشان داد که بین هوش هیجانی و خود شکوفایی، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد؛ بدین معنی که با افزایش میزان هوش هیجانی، سطح خود شکوفایی دانش آموزان افزایش می یابد. بنابراین، هوش هیجانی قادر به پیش بینی توانایی خود شکوفایی آزمودنی ها می باشد. بدین ترتیب، می توان نتیجه گیری کرد که هوش هیجانی همراه با هوش عمومی و در آمد پیش بینی کننده خوبی برای متغیر خود شکوفایی باشند. اما یافته ها، رابطه معناداری را بین جنس، تحصیلات والدین، شغل پدر و تعداد فرزندان با خود شکوفایی نشان نداد. دزوترو همکاران (۲۰۰۷). در تحقیق خود به این نتایج رسیدند که رابطه مثبت و معنی داری میان جهت گیری های مذهبی با رضایت مندی و هدف در زندگی و رابطه منفی معناداری میان جهت گیری های مذهبی بیرونی با خود شکوفایی و شادکامی وجود دارد. ایانا باومریند (۱۹۷۳) در دانشگاه کالیفرنیا مجموعه بررسی هایی انجام داده که طی آن الگوهای از فرزند پروری را این گونه ارائه میدهد: قاطع و اطمینان بخشی ادموکراتیک، مستبدانه یا دیکتاتوری، سهلگی ربا آزادی مطلق به نظر مكدانلند: وقتی میگوییم فرد سازگار است که پاسخ های او را بر تعامل با محیطش قادر میکنند آموخته باشد. در نتیجه به نحو قابل قبول با اعضای جامعه خود رفتار کند تا احتیاجاتش ارضاء شود. به تعبیر دیگر: سازگاری این است که فرد با دیگران طوری رفتار کند که هیچگونه مشکل و درگیری با آنان نداشته باشد. انسانی را سازگار تلقی میکنیم که مسائل و رفتار مختلفی دیگران را قبول کند و اگر با محیطی نمیتواند سازش پیدا کند. بر اساس تحقیقات منو (۱۹۴۳) علت بسیاری از ناسازگاری های اجتماعی کودکان را باید در نارسایی ارتباط بین مادری جانشین او با وی جستجو کرد. بالبی نیز با توجه به تحقیقاتی که بر

روی مجرمین و بزهکاران انجام داد به این نتیجه رسید که مجرمین دامی در طول ۱ سال اول زندگی خود مورد پذیرش و مهر و محبت والدین قرار نگرفته اند مدتی طولانی آنها جدا بوده اند و یا در دامن نامادری پرورش یافته اند. مکورد و همکاران وی طی تحقیقات خود دریافتند که الگوی طرد از جانب پدر یا مادر وی اداشتن پدر خشن در کودکان پرخاشگر، ناسازگار و بزهکار دیده میشود. پورس، الجندو همکاران (۱۹۹۵). در پژوهش بر روی گروههای محروم و گروههای نسبتاً ثروتمند نشان داد که وضعیت اقتصادی، اجتماعی والدین در سازگاری کودکان تأثیر عمیقی دارد. ایدن و همکاران (۱۹۹۴). در تحقیقی که در مورد سازگاری انجام داده است مشخص نمود که میان سازگاری زناشویی و احساس امنیت در کودکان رابطه معناداری وجود دارد.

### فرضیه های پژوهش

- ۱- بین شیوه های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش رابطه وجود دارد.
- ۱-۱ بین شیوه ی فرزند پروری آزاد گذاری با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش رابطه وجود دارد.
- ۲-۱ بین شیوه ی فرزند پروری استبدادی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش رابطه وجود دارد.
- ۳-۱ بین شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش رابطه وجود دارد.
- ۱- بین خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش رابطه وجود دارد.
- ۲- بین شیوه ی فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شوش رابطه چندگانه وجود دارد.

روش تحقیق: روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر گردآوری داده ها توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه آماری این مطالعه کلیه دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شادگان که در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند و تعداد آنان ۳۴۰۰ نفر می باشند که به تحصیل اشتغال دارند. به شیوه تصادفی چند مرحله ای ۲۶۴ دانش آموز از بین کلیه پایه های اول تا چهارم مدارس مقطع متوسطه دوم پس از هماهنگی با مدیر و معلم کلاس انتخاب و نمونه ی انتخاب شده جهت اجرای آزمون مربوطه مهیا و آماده سازی شد.

### ابزار اندازه گیری:

برای جمع آوری اطلاعات و داده های مورد نیاز این تحقیق از سه پرسشنامه، پرسشنامه شیوه های فرزند پروری والدین (PSQD)، پرسشنامه خود شکوفایی، سازگاری اجتماعی استفاده شده است که پایایی شیوه های فرزند پروری والدین ۰/۸۹، پرسشنامه خود شکوفایی ۰/۷۴، سازگاری اجتماعی ۰/۸۴ برآورد شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به کمک نرم افزار SPSS و با استفاده از روشهای آمار توصیفی و استنباطی و : شامل آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی چند متغیره به روش اینتر می باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار کامپیوتری «SPSS۲۱» استفاده شده است. ضمناً برای کلیه فرضیه ها سطح معنی داری  $\alpha=0/01$  و  $\alpha=0/05$  در نظر گرفته شده است.

میانگین و انحراف معیار (شیوه فرزند پروری و مولفه‌های آن، خود شکوفایی و سازگاری اجتماعی)

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، کمترین، بیشترین نمره آزمودنی‌های (شیوه فرزند پروری و مولفه‌های آن، خود شکوفایی و سازگاری اجتماعی)

تعداد	بیشترین نمره	کمترین نمره	انحراف معیار	میانگین	
۲۶۳	۲۴۳	۵۴	۲۵/۱۳	۸۳/۸۴	شیوه های فرزند پروری
۲۶۳	۴۶	۲۲	۸/۸۸	۲۶/۶۷	شیوه فرزند پروری آزاد گذاری
۲۶۳	۳۶	۱۸	۹/۴۳	۲۴/۳۸	شیوه فرزند پروری استبدادی
۲۶۳	۴۸	۲۰	۱۱/۸۱	۳۲/۷۸	شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی
۲۶۳	۸۵	۵۲	۱۷/۸۴	۶۰/۲۱	خود شکوفایی
۲۶۳	۱۸۱	۱۱۲	۲۰	۱۴۶/۴۶	سازگاری اجتماعی

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد:

میانگین و انحراف معیار نمره شیوه های فرزند پروری میانگینی برابر با ۸۳/۸۴ و انحراف معیار ۲۵/۱۳؛ کمترین نمره ۵۴، بیشترین نمره ۲۴۳ می‌باشد.

میانگین و انحراف معیار نمره شیوه فرزند پروری آزاد گذاری میانگینی برابر با ۲۶/۶۷ و انحراف معیار ۸/۸۸؛ کمترین نمره ۲۲، بیشترین نمره ۴۶ می‌باشد.

میانگین و انحراف معیار نمره شیوه فرزند پروری استبداد میانگینی برابر با ۲۴/۳۸ و انحراف معیار ۹/۴۳؛ کمترین نمره ۱۸، بیشترین نمره ۳۶ می‌باشد.

میانگین و انحراف معیار نمره شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی میانگینی برابر با ۳۲/۷۸ و انحراف معیار ۱۱/۸۱؛ کمترین نمره ۲۰، بیشترین نمره ۴۸ می‌باشد.

میانگین و انحراف معیار نمره خود شکوفایی میانگینی برابر با ۶۰/۲۱ و انحراف معیار ۱۷/۸۴؛ کمترین نمره ۵۲، بیشترین نمره ۸۵ می‌باشد.

میانگین و انحراف معیار نمره سازگاری اجتماعی میانگینی برابر با ۱۴۶/۴۶ و انحراف معیار ۲۰؛ کمترین نمره ۱۱۲، بیشترین نمره ۱۸۱ می‌باشد.

### یافته‌های :

برای بررسی فرضیه‌های پژوهشی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون رابطه ساده و رگرسیون چند متغیری رابطه بین متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### فرضیه ۱

بین شیوه‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم آموزش و پرورش شهرستان شاکان رابطه وجود دارد.

جدول ۲: همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم

سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم					متغیر وابسته متغیر مستقل
نتیجه آزمون	تعداد	سطح خطا ( $\alpha$ )	سطح معناداری (P)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
H. د	۲۶۳	۰/۰۵	۰/۰۱۵**	۰/۱۵۰	شیوه‌های فرزند پروری

\*\* معناداری حتی در سطح ۰/۰۰۱، \* معناداری حتی در سطح ۰/۰۵

بر اساس جدول ۴-۵ ملاحظه می‌شود، مقدار آزمون همبستگی پیرسون ( $r=0/150$ ) بین شیوه‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. لذا فرض صفر رد می‌شود و آزمون معنادار می‌باشد و از آنجا که مقدار ضریب همبستگی مثبت است وجود رابطه مستقیم و قوی را می‌پذیریم. یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه‌های فرزند پروری در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت. پس فرضیه اول (بین شیوه‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد) تأیید می‌شود.

### فرضیه ۱-۱

بین شیوه‌ی فرزند پروری آزاد گذاری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد.

جدول ۳: همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین شیوه‌ی فرزند پروری آزاد گذاری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم

سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم					متغیر وابسته متغیر مستقل
نتیجه آزمون	تعداد	سطح خطا ( $\alpha$ )	سطح معناداری (P)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
H. د	۲۶۳	۰/۰۵	۰/۰۰۰**	۰/۲۴۱	شیوه‌های فرزند پروری آزاد گذاری

\*\* معناداری حتی در سطح ۰/۰۰۱، \* معناداری حتی در سطح ۰/۰۵

بر اساس جدول ۳ ملاحظه می‌شود، مقدار آزمون همبستگی پیرسون (  $r = 0.241$  ) بین شیوه ی فرزندپروری آزاد گذاری با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم سطح  $0.05$  معنادار می‌باشد. لذا فرض صفر رد می‌شود و آزمون معنادار می‌باشد و از آنجا که مقدار ضریب همبستگی مثبت است وجود رابطه مستقیم و قوی را می‌پذیریم. یعنی با اطمینان  $95\%$  نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه ی فرزندپروری آزاد گذاری در بین دانش آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت. پس فرضیه ۱-۱ (بین شیوه ی فرزندپروری آزاد گذاری با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد.) تأیید می‌شود.

#### فرضیه ۱-۲

بین شیوه ی فرزند پروری استبدادی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد.

جدول ۴: همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم

سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم					متغیر وابسته متغیر مستقل
نتیجه آزمون	تعداد	سطح خطا ( $\alpha$ )	سطح معناداری (P)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
H. د	۲۶۳	۰/۰۵	۰/۰۰۰**	-۰/۲۸۳	شیوه ی فرزندپروری استبدادی

\*\* معناداری حتی در سطح  $0.001$ ، \* معناداری حتی در سطح  $0.05$

بر اساس جدول ۴: ملاحظه می‌شود، مقدار آزمون همبستگی پیرسون ( $r = -0.283$ ) بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم در سطح  $0.05$  معنادار می‌باشد. لذا فرض صفر رد می‌شود و آزمون معنادار می‌باشد و از آنجا که مقدار ضریب همبستگی منفی است وجود رابطه غیرمستقیم و قوی را می‌پذیریم. یعنی با اطمینان  $95\%$  نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه ی فرزندپروری استبدادی در بین دانش آموزان کمتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت. پس فرضیه ۱-۲ (بین شیوه ی فرزندپروری استبدادی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد.) تأیید می‌شود.



### فرضیه ۱-۳

بین شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد.

جدول ۵: همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم

سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم					متغیر وابسته متغیر مستقل
نتیجه آزمون	تعداد	سطح خطا ( $\alpha$ )	سطح معناداری (P)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
H. د	۲۶۳	۰/۰۵	۰/۰۰۰**	۰/۳۶۴	شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی

\*\* معناداری حتی در سطح ۰/۰۰۱، \* معناداری حتی در سطح ۰/۰۵

بر اساس جدول ۵: ملاحظه می شود، مقدار آزمون همبستگی پیرسون ( $r=0.364$ ) بین شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد. لذا فرض صفر رد می شود و آزمون معنادار می باشد و از آنجا که مقدار ضریب همبستگی مثبت است وجود رابطه مستقیم و قوی را می پذیریم. یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می گیریم که هر چه شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی در بین دانش آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت. پس فرضیه ۱-۳ (بین شیوه ی فرزند پروری اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد) تأیید می شود.

### فرضیه ۲

بین خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد.

جدول ۶: همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان

#### پسر مقطع متوسطه

سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم					متغیر وابسته متغیر مستقل
نتیجه آزمون	تعداد	سطح خطا ( $\alpha$ )	سطح معناداری (P)	ضریب همبستگی پیرسون (r)	
H. د	۲۶۳	۰/۰۵	۰/۰۰۰**	۰/۸۳۰	خود شکوفایی

\*\* معناداری حتی در سطح ۰/۰۰۱، \* معناداری حتی در سطح ۰/۰۵

بر اساس جدول ۶ ملاحظه می شود، مقدار آزمون همبستگی پیرسون ( $r=0.830$ ) بین خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم در سطح ۰/۰۵ معنادار می باشد. لذا فرض صفر رد می شود و آزمون معنادار می باشد و از آنجا که مقدار ضریب همبستگی مثبت است وجود رابطه مستقیم و قوی را می پذیریم. یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می گیریم که هر چه خود شکوفایی در بین دانش آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت.

فرضیه ۳

بین شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه چندگانه وجود دارد.

جدول ۷ همبستگی چندگانه بین شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم (Enter)

همبستگی چندگانه MR	ضریب تعیین RS(R <sup>2</sup> )	نسبت F (خطی بودن رگرسیون)	احتمال p (برای خطی بودن رگرسیون)		
R = ۰/۸۳۲	R <sup>2</sup> = ۰/۶۹۲	F = ۲۹۲/۲۶**	P = ۰/۰۰۰		
Sig (p)	t	Beta	B	متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک
۰/۰۰۰	۳۱/۰۷		۹۳/۳۶	مقدار ثابت	سازگاری اجتماعی
۰/۰۴۰	۲/۰۶	۰/۳۸۲	۰/۹۸۳	شیوه‌های فرزند پروری	
۰/۰۰۰	۲۳/۷۷	۰/۰۴۰	۰/۹۴۷	خود شکوفایی	

همان طوری که در جدول ۷ نشان داده شده است، طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش ورود (Enter)، ضریب همبستگی چندمتغیری برای ترکیب خطی مولفه‌های شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم برابر با MR = ۰/۸۳۲ و RS = ۰/۶۹۲ می‌باشد که در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌گردد. با توجه به مقدار ضریب تعیین (RS(R<sup>2</sup>))، مشخص شده که ۶۹ درصد سازگاری دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شوش توسط متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی) قابل تبیین می‌باشد. پس در پیش‌بینی‌کنندگی برای سازگاری دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شوش نقشی بسیار خوبی ایفا بسیار می‌کند.

۵-۱ بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم است. نتایج تحلیل فرضیه‌های پژوهش به شرح ذیل می‌باشد: فرضیه ۱ پژوهش بیان می‌کند: بین شیوه‌های فرزند پروری با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر فرضیه فوق تأیید می‌شود، یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه‌های فرزند پروری در بین دانش آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ایانا بامریند (۱۹۷۳)؛ منو (۱۹۴۳)؛ الجند و همکاران (۱۹۹۵)؛ ایدن و همکاران (۱۹۹۴)؛ زهرا کار (۱۳۸۹)؛ مداحی، لیاقت و مرادی (۱۳۹۰)؛ نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) همسو و هماهنگ است.

فرضیه ۱-۱ پژوهش بیان می‌کند: بین شیوه‌های فرزند پروری آزاد گذاری با سازگاری اجتماعی در بین دانش آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر فرضیه فوق تأیید می‌شود، یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه‌های فرزند پروری آزاد گذاری در بین دانش آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان



را به‌همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ایانا باومریند (۱۹۷۳)؛ منو (۱۹۴۳)؛ الجند و همکاران (۱۹۹۵)؛ آیدن و همکاران (۱۹۹۴)؛ زهرا کار (۱۳۸۹)؛ مداحی، لیاقت و مرادی (۱۳۹۰)؛ نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) همسو و هماهنگ است.

فرضیه ۱-۲ پژوهش بیان می‌کند: بین شیوه‌ی فرزندپروری استبدادی با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر فرضیه فوق تایید می‌شود، یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه‌ی فرزندپروری استبدادی در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی کمتر آنان را به‌همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ایانا باومریند (۱۹۷۳)؛ منو (۱۹۴۳)؛ الجند و همکاران (۱۹۹۵)؛ آیدن و همکاران (۱۹۹۴)؛ زهرا کار (۱۳۸۹)؛ مداحی، لیاقت و مرادی (۱۳۹۰)؛ نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) همسو و هماهنگ است.

فرضیه ۱-۳ پژوهش بیان می‌کند: بین شیوه‌ی فرزندپروری اقتدار منطقی با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر فرضیه فوق تایید می‌شود، یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که هر چه شیوه‌ی فرزندپروری اقتدار منطقی در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به‌همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ایانا باومریند (۱۹۷۳)؛ منو (۱۹۴۳)؛ الجند و همکاران (۱۹۹۵)؛ آیدن و همکاران (۱۹۹۴)؛ زهرا کار (۱۳۸۹)؛ مداحی، لیاقت و مرادی (۱۳۹۰)؛ نوابخش و فتحی (۱۳۹۰) همسو و هماهنگ است.

فرضیه ۲-۲ پژوهش بیان می‌کند: بین خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر فرضیه فوق تایید می‌شود، یعنی با اطمینان ۹۵٪ نتیجه می‌گیریم که هر چه خود شکوفایی در بین دانش‌آموزان بیشتر باشد، سازگاری اجتماعی بیشتر آنان را به‌همراه خواهد داشت. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات دزوترو همکاران (۲۰۰۷)؛ یار محمدیان و همکاران (۱۳۸۶)؛ دهقان (۱۳۹۱)؛ تاج، و همکاران (۱۳۹۲)؛ افشانی و همکاران (۱۳۹۳)؛ همسو و هماهنگ است.

فرضیه ۳-۳ پژوهش بیان می‌کند: بین شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم رابطه چندگانه وجود دارد. با توجه به نتایج بدست آمده از پژوهش حاضر فرضیه فوق تایید می‌شود، ضریب همبستگی چندمتغیری برای ترکیب خطی مولفه‌های شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم برابر با  $MR = 0/832$  و  $RS = 0/692$  می‌باشد که در سطح  $0/05$  معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش تایید می‌گردد. با توجه به مقدار ضریب تعیین  $(R^2)$ ، مشخص شده که ۶۹ درصد سازگاری دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان توسط متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزند پروری و خود شکوفایی) قابل تبیین می‌باشد. پس در پیش‌بینی‌کنندگی برای سازگاری دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه دوم شهرستان شادگان نقشی بسیار خوبی ایفا بسیار می‌کند. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق با نتایج تحقیقات ایانا باومریند (۱۹۷۳)؛ منو (۱۹۴۳)؛ الجند و همکاران (۱۹۹۵)؛ آیدن و همکاران (۱۹۹۴)؛ زهرا کار (۱۳۸۹)؛ مداحی، لیاقت و مرادی (۱۳۹۰)؛ نوابخش و فتحی (۱۳۹۰)؛ دهقان (۱۳۹۱)؛ تاج، و همکاران (۱۳۹۲)؛ افشانی و همکاران (۱۳۹۳)؛ همسو و هماهنگ است.



## منابع

اسلامی نسب، علی (۱۳۸۱) روانشناسی سازگاری، چاپ و نشر بنیاد، تهران.  
اصفهان‌ای اصول، مریم، (۱۳۸۱) مقایسه سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر سال سوم نظام جدید رساله‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز.  
اسماعیلی، احمد، (۱۳۸۱). بررسی رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری با سازگاری اجتماعی و افسردگی در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستانگیلاز غرب، کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی.

اتکینسون، اتکینسون هیلگارد (۱۳۸۰)، زمینهر و انشناسی، ترجمه محمد تقی پور اهنیو همکاران، تهران، رشد.  
افروز، غلامعلی، (۱۳۷۲)، روانشناسی تربیتی کود کانونوجوانان، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.  
احدیوینجمال (۱۳۸۰) رشد کود کیونوجوانی، (چاپ دوم)، تهران بنیاد مستضعفان.  
احدی، ج، ن، محسنی (۱۳۷۲) روانشناسی رشد (مفاهیم بنیاد پر و انشناسی نوجوانی) تهران، بنیاد، چاپ دوم.  
بیلر، رابرت، (۱۹۷۸). کاربرد روانشناسی در آموزش، جلد دوم چاپ ششم، ترجمه کدیور، تهران مرکز نشر دانشگاهی.  
- بیابانگرد، الف، (۱۳۷۸)، روش‌های افزایش عزت نفس در کود کانونوجوانان، چاپ پنجم، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

کارگرزاده - مرجان (۱۳۸۵) تاثیر عمل جراحی قلب باز ( کرومزی بای پس ) بر افسردگی سازگاری اجتماعی بیماران قلبی زن و مرد بیمارستان مدرس تهران پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی اهواز واحد علوم تحقیقات.

رحیم نیا، محسن و رسولیان مریم. (۱۳۸۵). مقایسه مکانیسم های سازگاری در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت نوجوانان دبیرستانی، مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران، ۱۲، (پیاپی ۴۴): ۳۵-۲۹.  
موسوی نسب، سید محمد حسین، (۱۳۸۴). خوش بینی - بدبینی، ارزیابی استرس و راهبردهای رویارویی: بررسی پیش بینی سازگاری روان شناختی در نوجوانان، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه شیراز.  
ثابتی، فهیمه و شهنی بیلاق، منیجه (۱۳۷۷). تاثیر آموزش مهارتهای اجتماعی در کاهش ناسازگاری های اجتماعی - عاطفیدانش آموزان پسر ناسگار دبستانی اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران، دوره سوم، سال پنجم، شماره های ۳ و ۴.

- Albrecht, Karl (2004), Social intelligence: The new Science of Success, Cedition .

Dawnkilgere Edithoin, united States of America . yossey – Bass Publishion (2006)

- Blum, R. W. (2005). A case for school connectedness. Educational Leadership 62(7): 16–20.

Bromley, J., Hare, D. J., Davison, K., & Emerson, E. (2004). Mothers supporting children with autism spectrum disorders. social support, mental health status and satisfaction with services. Autism 8: 409–423.

Burns, M. K., Vance, D., Szadokierski, I., Stockwell, C. (2006). Student needs survey: A psychometrically sound measure of the five basic needs. International Journal of Reality Therapy 25(2): 4-8.

Cecilia, Z. M. Belgrave, F (2007). Stress, social support, and college adjustment among Latino students. Cultural Diversity and Mental Health. 2(3) : 193-203. Crockett, L.J., Moilanen, K.L., Raffaelli, M., & Randall, B.A.

(2006). Psychological Profiles and Adolescent Adjustment: A Person-Centered Approach. Development and Psychopathology, 18(1): 195-214.

Ervin, J. (2003). Giving students what they need. British Journal of Guidance & Counseling, 34(4): 143-156.

Frey, I.M & Wilhite, K. (2005). Our Five Basic Needs: Application for understanding the function of behavior. Journal of Intervention in school and clinic. 40(3): 156-160.

Garber, j., Keily, M.K., & Martin, N.C. (2002). Development of adolescence depressive symptoms: predictors of change. Journal of counseling and clinical psychology, 70: 79-95.



Harvey, V S., & Retter, K. (2002). Variations by gender between children and adolescents on the four basic psychological needs. *International Journal of Reality Therapy*, 21(2): 33-36

- Bar – on , (2000) Emotional and social intelligence insight from emotional . Quotient invent in Bar – on , K.Parker T.D.A.(eds), *HanBook Of emotional intelligence* , safrancisco, yossey Bass.
- Bar-on., Tranel , D., Den burg, NL & Bechara , A . (2003) . Expkoring The neurological Substact of emotional and Social intelligence , *Brain* . 126 , 1790 – 1800
- Barrera , M . , & Balls, P . (1983) Assessing Social Support as .a Prevention resource : An illusman Serviees , 2 , 59 – 74
- Brhen , y. c . & philips B.S (1987)  
. Developmental basis for Social Support *Yournal of Beharial Medicine* , 10 (3) , 405 – 410
- Brownell A . (1984) . Toward a theory of Social Support  
Closing Con Ceptual gaps *Yournal of . Social Issue* , 52 (60) , 151 – 156
- Can tor , Nace kihlstrom ,john  
f.(2007). - Personality and social intelligence , Prentice – Hall , inc .  
Engleweed Cliffs , New jersey 7632 .
- Cobb , S (1976) . Social Support as a Mediator of life Stress .  
*Psychosomatic Medicine* Vol , 383 , pp300 – 314
- Emery , Nathan , Clayton , Aicky .  
Frith , Chris (2004) , *Social intelligence from Brasn the Royal Society* (2004).
- Ganstro , D, & Victor B . (1988) The Impact of Social Support on mental and Physiceal heakth .*British journal of medical psy chology* 961 , 17 – 36
- Goleman , Daniel (2006) , *Social intelligence The Revolvtonary*  
*New Science of Guman Relation ships* , Bantam Dell Pulish ment , new york , 4 V 9 Vst 2007.
- Lobel , M . bovient , C . y , Kamminer , A . 8meyer , B . A . (2000) . The impact of prental .maternal Stress and Optimistic disposition on birth outcomes in medicakky high – risk women . *Health Psychology* , 19(6) .
- Peterson ,C . Seligman .M .E .P . X Vaillant , G.E. (1988) . Pessimstic explanatory Style is a risk factor for Phy sical illness : Athiry – five year longitudinal Study . *tournal of persona Lity and Social pay chogy* , 55 (1)
- Thorndike , Edword (1920) intelligence andits use , *Harpeers Magazine* N/40 : 227 – 234.